



شلیک‌های تهدیدآمیز دو کره

ستاد مشترک ارتش کره جنوبی گزارش داد، واحد توپخانه‌ای ساحلی کره شمالی بیش از ۲۰۰ گلوله به سمت جزایر کره جنوبی در دریای زرد شلیک کرده است. در این شلیک‌ها، به کسی آسیبی نرسید. این گلوله‌ها در مرز دوقلوتی بین دو کره سقوط کردند. همچنین کره جنوبی دستور تخلیه این مناطق را صادر کرده است. نیروهای دفاعی کره جنوبی در واکنش به حملات توپخانه‌ای کره شمالی به دو جزیره در مرز مشترک مانورهایی برگزار کردند. در گزارش ستاد مشترک ارتش کره جنوبی آمده است، واحدهای نیروی دریایی کشور در جزایر «یونپینگ» و «بانگنیونگ» در آزمایش‌هایی حضور یافتند. طرف کره جنوبی با استفاده از هواپیماهای خودکشی K۹ آب‌های مجاور را گلوله‌باران کرد. بیشتر ستول تایید کرده بود که سربازان آمریکایی و کره جنوبی آزمایش یک هفته‌ای رزمی خود را با استفاده از تسلیحات سنگین و مانورهایی با گلوله واقعی در نزدیکی مرز کره شمالی برگزار کرده‌اند که روز پنج‌شنبه به پایان رسید. وانگ ونبین، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، در واکنش به این اخبار، خواستار خویشتن‌داری طرفین شد.



اگر تصویب نکنند پول برای اوکراین نداریم

سخنگوی وزارت دفاع آمریکا درباره بودجه کمک به اوکراین گفت: واشنگتن دیگر پولی ندارد مگر آنکه قانونگذاران بسته جدید کمک‌ها به کی‌یف را تصویب کنند. پاتریک رایدر توضیح داد، در حالی که پنتاگون مجوز دارد تا ۴/۲ میلیارد دلار دیگر را در امر کمک‌تسلحاتی به اوکراین هزینه کند، بودجه واقعی برای این امر در دسترس نیست و باید توسط کنگره تصویب شود. کنگره همچنان بر سر این تصویب بودجه کمک به اوکراین گرفتار اختلاف است. از سوی دیگر، دیمیتری کولبا، وزیر خارجه اوکراین نیز در پاسخ به سوالات درباره گزینه‌های جایگزین کمک‌های آمریکا گفت: «اصلاً چنین گزینه‌هایی نداریم و باید فقط به آمریکا و حمایت‌های متحدان تکیه کنیم.» او تأکید کرد: «آنچه به اوکراین داده می‌شود، صدقه نیست. این سرمایه‌گذاری در حفاظت از ناتو و در حمایت از رفاه مردم آمریکا است.»



تشدید اختلافات در کابینه اسرائیل

رسانه‌های اسرائیلی در گزارش‌های جداگانه از اختلاف و درگیری در جلسات کابینه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل خبر دادند. کانال ۱۲ اسرائیل از مشاجره بین نتانیاهو و یوآو گالاتت، وزیر دفاع اسرائیل خبر داد. اختلاف بین این دو بر سر این بوده است که نتانیاهو اجازه نمی‌دهد، گالاتت با رونن بار، رئیس ششین بت و دیوید بارنیا، رئیس موساد، بدون حضور نتانیاهو دیدار کند. از سوی دیگر، شبکه تلویزیونی کان اسرائیل خبر داد، در جلسه دیگری، وزرای جریان راست کابینه با رهبری بتسلئیل اسموتریچ و ایتمار بن‌گوریر با مقامات ارتش بر سر تحقیقات حمله ۷ اکتبر درگیری لفظی داشتند. این وزرا می‌گویند ارتش دارد حامیان عقب‌نشینی ۲۰۰۵ از غزه را در تحقیقات شرکت می‌دهد اما بنی گانتز، دیگر عضو کابینه جنگ‌باوکنشی‌تند، ایراد این گروه را بی‌ربط دانسته است. سوزه مشترک این اختلافات، بررسی علت غافلگیری اسرائیل در مقابل حمله ۷ اکتبر و نیز اقدامات آن روز از سوی ارتش و دولت است.

نیروهای ارتش را نمی‌داد. صدام دست به کار دیگری هم زد و آن هم اینکه کویت را متهم کرد که از طریق حفاری موب، به مخازن نفتی عراق دست‌درازی کرده و در واقع نفت‌دزدی می‌کند.

صدام هیچ چیزی از پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل نمی‌دانست. قبل از اینکه به قدرت برسد سال‌های سال در زندان بود و تحصیلات دانشگاهی هم نداشت. تنها کشورهای غیرعربی که صدام به آنها سفر کرده بود، روسیه و فرانسه بودند. صدام متوجه نبود که عراق مدرنی که سال ۱۹۲۱ انگلیسی‌ها آن را ساخته بودند، نمی‌توانست به کویتی که آن را هم انگلیسی‌ها به وجود آورده بودند، به آن شکل حمله کند و انتظار داشته باشد پاسخی هم دریافت نکند. اوقبل از حمله به کویت دیداری با آیریل گلاسی، سفیر وقت آمریکا در عراق داشت. ظاهراً گلاسی به صدام گفته بود، آمریکا هیچ سیاست خاصی در رابطه با روابط کشورهای عربی بین خودشان ندارد. صدام از این حرف اینطور برداشت کرد که اگر به کویت حمله کند، آمریکا احتمالاً فقط چندین بیانیه محکومیت شفاهی صادر کرده و دست به کار دیگری نخواهد زد. صدام معتقد بود، اگر در آن دوره که دیوار برلین فرو ریخته بود و شرق اروپا ملتهب بود و شوروی هم در آستانه فروپاشی قرار داشت، به کویت حمله کند، آمریکا دست به کاری نخواهد زد اما صدام به یک نکته توجه نکرده بود و آن هم اینکه، در آن زمان نظام دوقطبی عملاً دیگر وجود نداشت و جنگ سرد تمام شده بود. آن نظام دوقطبی ای که کشورهای جهان سوم، به واسطه درگیری قدرت‌های بزرگ با یکدیگر کمی دست‌شان بازتر شده بود، دیگر وجود خارجی نداشت.

تصمیم احقانه صدام برای حمله به کویت، باعث شد که ارتش عراق نابود شود. آمریکا یک ائتلاف نظامی چندملیتی تشکیل داد و در کویت مداخله نظامی کرد و ارتش عراق را بیرون راند. بعد از جنگ نیز عراق به شدت تحریم شد و از اینجا به بعد بود که افسانه عراق به‌عنوان قدرت منطقه‌ای جهان عرب، به کلی تمام شد. سال ۲۰۰۳، آمریکا برگشت تا کاری که سال ۱۹۹۰ تمام نکرده بود را تمام کند؛ صدام سرنگون شد، فرار کرد و بعد هم اعدام شد. آنچه که ذکر شد نشان می‌دهد حاکمان کشورهای عربی، جهان‌بینی تحریف‌شده‌ای در خصوص تحولات جهانی داشته و دارند. آنها معمولاً تمایل دارند جهان را صرفاً از دریچه سیاست داخلی خودشان ببینند و اغلب توانایی درک پیچیدگی‌های روابط بین‌کشوره‌ها و روندها را ندارند. مقامات این کشورها در سطوح عالی، مستبد هستند. به کسی پاسخگو نیستند و همین ویژگی باعث می‌شود تصمیم‌هایی که می‌گیرند، از آنجایی که از اجماع کافی نخبگان و افکار عمومی برخوردار نیست، تأثیراتی سرنوشت‌ساز و مخرب برایشان به همراه داشته باشد. خیلی از حاکمان کشورهای عربی، در اتاق‌های ایزوله زندگی می‌کنند و براساس فرضیات نادرست تصمیم می‌گیرند و هیچ توجهی به مخالفان و منتقدان شان نمی‌کنند. پیامدهای این نوع تصمیم‌گیری‌ها بارها و بارها دیده شده و امروز هم در غزه به وضوح دیده می‌شود.

منبع:

- ۱- شاه آفرینان / نوشته کارل ارنست / ترجمه کامل حلمی / نشر کتاب‌سرا
- 2- Arab Attitudes Toward Israel and Peace. Washington, D.C.: The Washington Institute for Near East Policy
- 3- Partner or Pariah? Attitudes Toward Israel in Syria, Lebanon, and Jordan.

حاکمان کشورهای عربی، جهان‌بینی تحریف‌شده‌ای در خصوص تحولات جهانی داشته و دارند. آنها معمولاً تمایل دارند جهان را صرفاً از دریچه سیاست داخلی خودشان ببینند و اغلب توانایی درک پیچیدگی‌های روابط بین‌کشورها و روندها را ندارند. مقامات این کشورهای عربی، در سطوح عالی، مستبد هستند. به کسی پاسخگو نیستند و همین ویژگی باعث می‌شود تصمیم‌هایی که می‌گیرند، از آنجایی که از اجماع کافی نخبگان و افکار عمومی برخوردار نیست، تأثیراتی سرنوشت‌ساز و مخرب برایشان به همراه داشته باشد. خیلی از حاکمان کشورهای عربی، در اتاق‌های ایزوله زندگی می‌کنند و براساس فرضیات نادرست تصمیم می‌گیرند و هیچ توجهی به مخالفان و منتقدان شان نمی‌کنند. پیامدهای این نوع تصمیم‌گیری‌ها بارها و بارها دیده شده و امروز هم در غزه به وضوح دیده می‌شود.

داده کشتی‌هایشان را از تنگه تیران عبور دهند، مسخره و تحقیر می‌کردند. این مسئله به شدت ناصر را عصبانی می‌کرد و اعتبارش را هم تخریب کرده بود تا اینکه، ماه مه سال ۱۹۶۷، فرصتی برای ناصر ایجاد شد؛ در واقع خودش اینطور فکر می‌کرد که فرصتی برایش ایجاد شده است. اتحاد جماهیر شوروی به ناصر هشدار داد، اسرائیل در حال استقرار نیروهای نظامی‌اش در نزدیکی بلندی‌های جولان است و قصد دارد به سوریه حمله کند. این هشدار روس‌ها یک تله بود اما ناصر با اینکه می‌دانست این هشدار یک تله است، ارتش خود را بدون قصد وارد شدن به جنگ به منطقه سینا اعزام کرد و بعد از آن هم عبور کشتی‌های اسرائیلی از خلیج عقبه و ورودشان به دریای سرخ را از طریق تنگه تیران، ممنوع کرد. اسرائیل این کار ناصر را بهانه قرار داد و تصمیم گرفت این بار برخلاف سال ۱۹۴۸، کار مصر را تمام کند.

جالب اینجاست که ارتش مصر در جنگ سال ۱۹۶۷، درست با همان مشکلات عملیاتی روبرو شد که در جنگ‌های سال ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ با آنها روبرو شده بود. ارتش مصر فرماندهی ضعیفی داشت و خوب هم آموزش ندیده بود. علاوه بر این، ناصر فکر می‌کرد، آمریکا برای فرو نشاندن این بحران از دیپلماسی مخفی استفاده خواهد کرد؛ چراکه قبلاً آمریکا این کار را کرده بود؛ سال ۱۹۶۰، یعنی زمانی که مصر و سوریه متحد یکدیگر بودند، ناصر، ارتش مصر را به سینا فرستاد تا فشار را از روی ارتش سوریه بردارد. نزدیک بود کار به تنش نظامی بین مصر و اسرائیل برسد که آیزنهاور وارد عمل شد و با استفاده از دیپلماسی مخفی به اسرائیل فشار آورد تا آرامش برقرار شود اما سال ۱۹۶۷، لیبندون جانسون در کاخ سفید نشسته بود و جانسون هم اساساً رابطه خوبی با ناصر نداشت. بنابراین جانسون به اسرائیل چراغ سبز نشان داد و جنگ آغاز شد. ارتش اسرائیل، در مقابل ارتش‌های مصر، سوریه و اردن جنگید و پیروز شد. اشتباه ناصر این بود که متوجه تغییر شرایط سیاستی در آمریکا نشد. او درک نکرد که دیگر از آیزنهاور خبری نیست و همین درک اشتباه، رزل‌له‌ای ژئوپلیتیک برای مصر ایجاد کرد که خاورمیانه هنوز هم در حال تحمل تبعات ویرانگر آن از حمله بحران فلسطین و غزه است.

حمله صدام به کویت

عراق در جنگ هشت‌ساله‌اش با ایران به لحاظ نظامی و اقتصادی شکست خورد. عراق برای تأمین هزینه‌های جنگ با ایران، میلیاردها دلار از عربستان سعودی و امارات و کویت وام گرفته بود. سعودی‌ها و اماراتی‌ها بدهی‌های عراق را بخشیدند اما کویت اصرار داشت که صدام باید ۱۴ میلیارد دلار بدهی‌اش را به کویت بپردازد. صدام هم سر ناسازگاری گذاشت و کویت را متهم کرد که از سهمیه تولید نفتش تجاوز کرده و هدفش این است که قیمت نفت را کاهش دهد و اگر قیمت نفت کاهش پیدا می‌کرد، وضعیت برای عراق بحرانی می‌شد؛ چراکه درآمدهای نفتی‌اش کاهش پیدا می‌کرد و کفاف پرداخت حقوق کارمندان دولت و

سوزن و تنگه تیران

سال ۱۹۵۶، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، با ملی کردن کانال سوئز اشتباه بزرگی مرتکب شد؛ این اقدامی نبود که ناصر می‌بایست در آن موقعیت زمانی خاص انجام دهد. سه ماه بعد از این تصمیم، جنگ سوئز شروع شد و بریتانیا، فرانسه و اسرائیل به مصر اعلام جنگ کرده و در نهایت مصر در این جنگ به شکل خفت‌باری شکست خورد. وقتی ناصر این کانال را ملی اعلام می‌کرد فقط ۱۲ سال از اعتبار امتیاز ۹۹ ساله انگلیس و فرانسه در خصوص این کانال باقی مانده بود. این کار ناصر باعث شد که دارایی‌های مصر در بانک‌های اروپایی توقیف شده و وضعیت به شکلی شد که غرامتی که مصر مجبور شد به سپه‌مداران خارجی پرداخت کند، خیلی بیشتر از درآمدش از منبع ملی کردن کانال سوئز شد. در طول جنگ سوئز و تحریم‌های بعد از آن، ارزش پول ملی مصر در یک روند سریع کاهش یافت. چند هزار سرباز ارتش مصر و چند هزار غیرنظامی کشته شدند و بیشتر تجهیزات نظامی که ناصر از چکسلواکی خریده بود، منهدم شدند. همچنین در این جنگ، شهرهای مدرنی که انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در امتداد کانال سوئز ساخته بودند نیز ویران شدند و صدها هزار نفر از ساکنان این شهرها نیز بی‌خانمان شدند. ماجراجویی ناصر فقط به همین جا ختم نشد. ناصر حتی بهای دیپلماتیک سخنی نیز برای این اشتباهش پرداخت کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب کرد که نیروی حافظ صلح سازمان ملل متحد باید در مرز اسرائیل با مصر در شبه‌جزیره سینا، نوار غزه و شرم‌الشیخ مستقر شوند. سازمان ملل به کشتی‌های اسرائیلی هم اجازه داد برای اولین بار از تنگه تیران به سمت دریای سرخ عبور کنند. در حالی که ملک فاروق سال ۱۹۵۰ عبور و مرور کشتی‌های اسرائیلی از این تنگه را ممنوع کرده بود. البته ناصر سال ۱۹۶۷ سعی کرد وضعیت را به دوران ملک فاروق برگرداند و همین کارش یک بار دیگر مصر را با اسرائیل وارد جنگ کرد.

ارتش مصر در این جنگ هم شکست خورد. هر چند بعد از این جنگ دولت آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، فرانسه و انگلیس را مجبور کرد از مصر خارج شوند و این بار ناصر به‌عنوان یک قهرمان ملی‌گرا که توانسته بود انگلیس و فرانسه را از کشورش بیرون کند، اعتباری برای خودش دست و پا کرد، اما اعتبار ناصر با این دستاوردها هم ترمیم نشد. ناصر بین جنگ سال ۱۹۵۶ تا جنگ سال ۱۹۶۷ فکر می‌کرد، قوی‌ترین ارتش را در شرق مدیترانه در اختیار دارد. با این حال، منتقدانش در کشورهای عربی همیشه بابت اینکه به اسرائیلی‌ها اجازه

